

# انفجار تروریستی کرمان

مالک اشتری دیگر معروف به سردار دل‌ها، با نگاه‌هایی به تیزی شمشیر ذوالفقار، با قدم‌هایی به استواری سرو، یعنی سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی. نامی که بر سر در قلب ما طلاکوب شده و عامل ترس سیاهدلان روزگار است

شهید سلیمانی از قبیله کربلا و از تبار عاشورا بود که نتوانست ظلم و ستم را تاب بیاورد. مردی از تبار بدر و حنین و تبوک و خندق که چون مولا علی (ع) در سحرگامی تاریک به دست مارهای زخمی از دست اسلام به درجه رفیع شهادت رسید

سال هاست که از پرواز ملکوتی این مرد بزرگوار به سوی بهشت خداوند می‌گذرد

اما مردم غیور ایران از کوچک و بزرگ برای نشان دادن ارادت خود نسبت این مرد با عزت در گلزار شهدای کرمان حضور یافتند تا با امام زمان و سرباز گرانقدر امام عهد ببندند تا زمانی که بانگ لا اله الا الله، و محمد رسول الله، بر تمام جهان، طنین بیفکند، دست از مبارزه با ظلم و ستم برندارند

این عهدی بود که به فضل خداوند بر جان و زبان آنان جاری شد

سخن از فرزندان ایران است که افتخار سربازی برای امام زمان (عج) دارند و گمنام و بی‌نام و نشان برای حفظ سرزمین و آرمان‌ها تمام‌قد در مقابل زورگویان و توطئه‌چینان ایستاده‌اند و برای رسیدن به اوج قله‌های ارزش یعنی شهادت لحظه شماری می‌کنند.

آری ایران عزیز را فرزندان است که افتخارشان شهادت و الگوباشان سیدالشهدا (ع) است و به عنوان پرچمداران مهدی موعود (عج) برای آرامش و رساندن ایران و ایرانی به کمال واقعی سر از پا نمی‌شناسند و به ردای گمنامی تکیه زده‌اند که مبادا دشمن پلید آسیبی به مردم و دستاوردهایشان برساند.

وقتش رسید وقت شهادت! وقت به حق پیوستن آرزوی مردمان

کودکان، در دنیای رنگین خود با خود در سر  
می‌پروراند که در آینده به لشکر امام زمان عجل الله علیه  
وآله وسلم می‌پیوند و همانند حاج قاسم سربازی بی همتا  
برای امام خود شوند

آری سخن از فرزندان ایران است که افتخار سربازی  
برای امام زمان (عج) دارند و گمنام و بی نام و نشان  
برای حفظ سرزمین و آرمان‌ها تمام قد در مقابل  
زورگویان و توطئه‌چینان ایستاده‌اند و برای رسیدن به  
اوج قله‌های ارزش یعنی شهادت لحظه شماری می‌کنند.

در همان لحظه صدایی به گوش رسید صدایی از ژرفای  
آسمان!

در همان لحظه کودکان و بزرگان به سوی بهشت بال  
پرواز خود را گشودند

گویی که امامان آنها را با وساطت حاج قاسم به سوی  
بهشت طلبیده!

ناگهان آن هجوم خروشان تبدیل شد به جویباری از خون  
خون کسانی که افتخارشان شهادت و الگویشان سیدالشهدا  
(ع) است و به عنوان پرچمداران مهدی موعود (عج) برای  
آرامش و رساندن ایران و ایرانی به کمال واقعی سر از پا  
نمی‌شناسند

آرامشی که سراسر آرامگاه را فرا گرفته بود

چن ثانیه بعد از بین رفت و صدای ناله و شیون مرد و ها  
زن ها و بچه های کوچک گلزار را فرا گرفت

مادران و پدران کودکان دلبنده خود را در آغوش گرفته  
بودند و خود را سپری برای آنان قرار دادند

دشمن تیر هایی را به سوی کودکان و بزرگان رها نمود  
آن تیر ها را تنها به آنها شلیک نکرد بلکه قلب تمامی  
ایرانیان را مورد هدف قرار داد

در همان حین دختری با کاپشن صورتی و گوشواره قلبی  
بال خود را به سوی بهشت گشود

شرمندهام دختر کایشن صورتی که آنقدر غریب و با ناز  
رفتی که داغ اینکه حتی نامت را هم بدانیم بر دلمان  
گذاشتی و رفتی؛ آری! اینگونه رفتن ها سزاوار خوبان و  
پاکانی چون شماست. مگر می شود در روزی که روز  
خانم بی مزار است با نام و نشان رفت؟

وای بر دردی که در دل بماند که اگر گفته نشود، می شود  
درد و اگر گفته شود می شود درد بی درمان اما برای ما  
مرهمی است که غربت دلمان را فریاد می زند

نسیم می وزد و شاخه های درختان در این زمستان تلخ،  
رقص مرگ سر می دهند و مردم داغدار ایران زمین در  
غم از دست دادن هموطنانشان می گریند، گویا این ماتم  
تمامی ندارد



اما دشمنان این پهنه ی سرسبز شده با خون شهیدان باید بدانند که شهید سلیمانی قوی تر از سردار سلیمانی است، با یارانی مسلح به قدرت ایمان که در در روز بزرگداشت او به سوی خداوند شتافتند، قله ی حق خواهی را فتح خواهند کرد و همه ی ایران یکصدا می خوانند که:

رفته سردار نفس تازه کند برگردد

چون ظهور گل نرگس به خدا نزدیک است